

۸. جنگ روحانی: چگونه در اقتدار مؤمن گام برداریم

لینک ویدیوی یوتیوب با زیرنویس به ۷۰ زبان: <https://youtu.be/U47Eq1f9iEI>

درک اقتدار مؤمن

هنگام پرداختن به موضوعی مانند اقتدار خدا، باید درک کنیم که هر مؤمنی به آن مجهز است، نه فقط کسانی که ممکن است آن‌ها را «قدیسان بزرگ» بدانیم. اراده خدا این است که شما، به عنوان فرزند او، بدانید چگونه در اقتدار او گام بردارید، و آموزش شما از روزی آغاز می‌شود که به عیسی مسیح «بله» می‌گوییم. روح القدس در سراسر زمین در حرکت است و ما به عنوان فرزندان او، باید در حالی که یاد می‌گیریم با او گام برداریم، درگیر شده و با خدا همکاری کنیم. ما به عنوان قوم پادشاهی خدا، در پی انجام اراده پدر هستیم، همان‌طور که عیسی انجام داد. هر یک از فرزندان خدا می‌تواند دژهای دشمن را در زندگی، خانواده یا شهر خود فرو بریزد. این فراخوان برای هر کسی است که کلام خدا را بپذیرد و با ایمان پیش برود. او فرزندان را قدم به قدم هدایت می‌کند، اما ما بر اقتدار مسیح تکیه می‌کنیم، نه بر اقتدار خودمان. برای اینکه ببینیم ایمان به خدا چه کاری می‌تواند انجام دهد وقتی مردان و زنان در قدرت خدا قدم برمی‌دارند، داستانی از کتاب «مگاشفت» (Megashift) را در نظر بگیرید. نویسنده، جیمز روتز، درباره سه مؤمن ناشناس می‌نویسد که با ایمان عمل کردند و با این کار، جو روحانی آفریقا را تغییر دادند.

جنگ روحانی در زندگی واقعی: معجزه صحرای کالاهاری

در سال ۱۹۹۹، سه مرد از صحرای کالاهاری در آفریقا تاریخ را تغییر دادند. اگرچه آنها رهبران تأثیرگذار اجتماعی نبودند، اما کوچ‌نشینان فروتنی بودند که وقتی به «کفش» نیاز داشتند، نوارهای چرمی را به پاهایشان می‌بستند. با این وجود، آنها از سه جهت کلیدی متمایز بودند:

1. آنها خدا و نقشه او برای دگرگون‌سازی آفریقا را می‌شناختند.
2. از طریق گفتگو با خوانندگان و پژوهشگران، آنها دریافتند که چگونه آفریقا به «قاره تاریک» و خانه فقیرترین کشورهای جهان شهرت یافت.
3. آنها با تفکری هماهنگ با روح خدا، تشخیص دادند که این قاره از رنج و مصیبت به اندازه کافی رنج برده است و وقت آن رسیده که موضعی قاطع اتخاذ کرده و این نفرین را معکوس کنند.

آنها دریافتند که ریشه این مشکل در یک نفرین نهفته است. باستان‌شناسان و انسان‌شناسان با استفاده از قطعات سفالینه‌های باستانی، نقاشی‌های غار و دیگر آثار، تصویری منسجم از نحوه سکونت و توسعه فرهنگی آفریقا به دست آورده‌اند. در گذشته، ساکنان اولیه به آرامی از شمال از طریق دره بزرگ شکاف زمین (Great Rift Valley)، یک شکاف زمین‌شناسی که از دریای Galilee در اسرائیل تا قلب آفریقا امتداد دارد، فرود آمدند. هر جا که جوامعی را بنیان نهادند، با ارواح شیطانی که خود را به شکل خدایان محلی درآورده بودند، پیمان بستند و خود را تحت اقتدار این نیروهای شیطانی قرار دادند. نتایج این کار عظیم و هولناک بوده است. با این حال، این سه مرد می‌دانستند چه باید بکنند. آنها یک کاروان دعایی برای انجام نبرد روحانی سازماندهی کردند.

آنها با گردآوری تیمی از واسطه‌گران دعای باتجربه، از جمله برخی غربی‌ها، برای سه ماه به سمت شمال سفر کردند و در ماه ژوئیه از کیپ آگولهاس، جنوبی‌ترین نقطه آفریقا، آغاز کردند. آنها در مکان‌های قدیمی متعدد، عمدتاً در امتداد دره شکاف، پیمان‌های اولیه با شیاطین و نفرین‌ها را انکار و باطل کردند. هر جلسه دعا در هر ایستگاه، یک رویارویی قدرتمند بود. بزرگترین این رویارویی‌ها، بی‌شک، در زیمبابوه رخ داد. تیم پس از یک مسیر طولانی و ناهموار با جیب، به کوه اینجالله (در تپه‌های موتوبو رسید. این منطقه علی‌رغم دوردست بودن، مقصدی محبوب برای زائران بود که بسیاری از آنها رؤسا، پادشاهان یا سران قبایل بودند. آنها سال‌ها برای طلب مشاوره و راهنمایی به اینجالله سفر می‌کردند. در آنجا، یک «کاهن» ظاهراً از شکافی بزرگ در کنار کوه با آنها سخن می‌گفت.

می‌توانید با اطمینان فرض کنید که هرگونه نصیحت از جانب خدای دروغین کوه، بی‌ارزش بود. در طول سال‌ها، این زیارتگاه آن‌قدر شلوغ شد که شبکه ساحران در سراسر آفریقای جنوبی، چهار معبد در اطراف لبه‌های شکاف ساختند. تیم دعا کرد و خدا را پرستش نمود. آنها برای گناهان مردم در پرستش این خدایان دروغین توبه کردند. آنها سقوط قدرت‌های شیطانی را اعلام کردند و اعلام نمودند که مالکیت زمین به پادشاهی مسیح منتقل شده است. سپس به مقصد بعدی خود رفتند. اندکی بعد، صاعقه به هر چهار معبد اصابت کرد و آنها را کاملاً ویران ساخت! همان‌طور که می‌توانید تصور کنید، این خبر در تمام روزنامه‌های منطقه منتشر شد و بر سر زبان‌ها افتاد.

در عرض دو روز، معتبرترین ساحر در سراسر آفریقای جنوبی برای ارزیابی خسارات و تعیین اینکه چه کاری می‌توان برای بازسازی این مکان انجام داد، رسید. اگرچه روز آفتابی بود، اما صاعقه به او اصابت کرد و درجا کشته شد. سپس طوفان آمد. شبکه خبری سی‌ان‌ان ورلد نیوز گزارش‌های مربوط به خسارات را پوشش داد. شدیدترین باران‌های ثبت‌شده در حافظه، منطقه‌ای وسیع را درنوردید، روستاهای کامل را با خود برد و به‌ویژه مکان‌های جادویی و مراکز متعدد آموزش جادوگری را ویران کرد. با این حال، همین سامانه طوفانی باعث شد که کالاهاری در مناطق غربی، جایی که بسیاری از مؤمنان به مسیح زندگی می‌کردند، همچون باغی شکوفا شود. این سرزمین به واحه‌ای سرسبز مملو از درختان، چمن‌های شاداب، گیاهان گل‌دار، جویبارهای جاری و حیات وحش فراوان تبدیل شد؛ منظره‌ای که دست‌کم برای یک قرن تقریباً دیده نشده بود. مردم محلی مبهوت شدند و خوف خداوند بر تمام آن سرزمین افتاد.^۱

وقتی این داستان را می‌شنوید، یادآور رویارویی قدرتمند پیامبر الیساع با پیامبران بعل است (۱ پادشاهان ۱۸). با تأمل در این روایت مدرن از قدرت خدا، آنچه بیش از همه توجه مرا جلب می‌کند این است که این افراد، انسان‌های عادی بودند که صرفاً از روح القدس اطاعت کردند. آنها به جای اینکه به تنهایی عمل کنند، با هم کار کردند و از الگوی عهد جدید پیروی نمودند. آنها می‌دانستند چگونه مطابق با اراده آشکار خدا دعا کنند و عمل نمایند. گاهی اوقات ما مسائل را بیش از حد پیچیده می‌کنیم، اما لازم نیست این‌طور باشد. کتاب مقدس نشان می‌دهد که این میراث همه فرزندان خداست.

بحث گروهی کوچک: تیم دعای کالاهاری از مؤمنان «ناشناس» و عادی تشکیل شده بود. به نظر شما چرا ما اغلب برای مقابله با نبردهای روحانی به جای اینکه خودمان با ایمان قدم برداریم، به «قدیسان بزرگ» یا کشیشان تکیه می‌کنیم؟ چه چیزی مانع شما می‌شود که با آن سطح از جسارت دعا کنید؟

قدم نهادن در کسب‌وکار خانوادگی: مجازشده توسط پدر

وقتی بدانید که در عزیز (افسیان ۱:۶) پذیرفته شده‌اید و تأیید خدا را دارید، می‌توانید با اقتدار روحانی گام بردارید زیرا می‌دانید قدرتتان از کجا می‌آید. بسیاری از مردم با پیوستن به مسیح در کار او، به خدا نزدیک‌تر می‌شوند. ما برای کار خانوادگی فراخوانده شده‌ایم. من شش ساله بودم که برای اولین بار سوار قایق ماهیگیری پدرم، «چرا نگران؟»، شدم. او مرا روی یک جعبه نشاند و به من کمک کرد تا سکان را هدایت کنم. در ابتدا، مرا فقط به فاصله‌ای کوتاه از بندر برد، اما هر چه بزرگتر می‌شدم، به من یاد داد که چگونه مسیریابی کنم، سکان را هدایت کنم و کارهایی را که از او دیده بودم انجام دهم. امروزه، در حالی که جهان از نظر روحانی تاریک‌تر می‌شود، خدا کار آموزش قوم خود را از طریق روش نشان دادن و توضیح دادن پیش می‌برد. این قدرت رهایی و اختیار، «نان کودکان» (متی ۱۵: ۲۶) است؛ بخشی از عهدی که از طریق قربانی مسیح بر صلیب به دست آمده است. هنگامی که ما درخواست کنیم و گوش فرا دهیم، خداوند راهنمایی و دستورالعمل‌های خود را به ما خواهد داد. پدر، تمام مؤمنان در مسیح را فرا می‌خواند تا به عرشه بیایند و تور را بکشند.

در روزهای اولیه‌ام به عنوان یک ماهیگیر در سواحل شرقی انگلستان، برای اداره یک قایق یا ماهیگیری نیازی به مجوز نبود. وقتی مردم سن کم من و اندازه قایقی را که با آن کار می‌کردم می‌دیدند، به طور طبیعی صلاحیت مرا زیر سؤال می‌بردند. با این حال، وقتی می‌گفتم پدرم کیست و با او کار می‌کنم، نگرششان فوراً تغییر می‌کرد، زیرا پدرم در سراسر سواحل شرقی بسیار معروف بود. من این اختیار را داشتم که قایق او را برانم و ماهی صید کنم. به خاطر رابطه‌ای که مسیح با مؤمنان برقرار کرده است، ما مجازیم به میدان ماهیگیری برویم و مردان و زنان را برای خدا صید کنیم. پدر شما اجازه و برکت خود را به شما عطا کرده است.

^۱ جیمز روتز، مگاشیفت، منتشر شده توسط انتشارات امپاورمنت، صفحات ۵۶-۵۷.

¹⁸سپس عیسی نزد آنها آمد و گفت: «تمام اختیار در آسمان و زمین به من داده شده است. ¹⁹پس بروید و همه قوم‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس غسل تعمید دهید، ²⁰و به ایشان تعلیم دهید که به همه آنچه به شما امر کرده‌ام، عمل کنند. و به یقین من تا به آخر زمان همیشه با شما خواهم بود» (متی ۱۸: ۲۰-۲۸؛ تأکید از ماست).

هویت در مسیح: وکالت‌نامه روحانی شما

از آنجا که به مسیح اقتدار در آسمان و بر زمین داده شده است، او آن اقتدار را با ما که به او ایمان داریم، سهیم می‌شود یا واگذار می‌کند. ما با او در مکان‌های آسمانی نشسته ایم (افسیان ۶: ۲)، و خداوند همان‌طور که می‌رویم با ما خواهد بود، درست همان‌طور که پدرم به تدریج از طریق آموزش حین کار به من آموخت. خداوند رهبران با استعداد را عطا کرده است تا کتاب مقدس را تعلیم دهند و دیگران را با مشاهده آنها در حین عمل، آموزش دهند. این همان روشی است که عیسی خدمت خود را انجام می‌داد. دشمن نمی‌خواهد شما باور کنید که به شما نیز اقتدار داده شده است، زیرا پادشاهی شیطان وقتی شما شروع به زندگی در اتکالی به قدرت خدا کنید، زمین خواهد خورد. اقتداری که به مسیح داده شده است، اکنون بر تمام مؤمنان نیز قرار دارد (اعمال رسولان ۲: ۳۸-۳۹؛ متی ۲۸: ۱۸). در سیزده نامه پولس رسول، عبارات «در مسیح»، «در او» یا اصطلاحات مرتبط، ۱۶۵ بار تکرار شده‌اند. به نظرم پولس در تلاش است تا حقیقت اساسی‌ای را منتقل کند، این‌طور نیست؟ بیایید این موضوع را بررسی کنیم:

زیرا همگی ما به یک روح تعمید یافتیم تا یک بدن گردیم -- چه یهودی و چه غیریهودی، چه برده و چه آزاد -- و همگی از یک روح نوشیدیم (اول قرنثیان ۱۲: ۱۳).

هنگامی که ایمان آوردید و اعتماد خود را به مسیح سپردید، حقیقت ساده این است که روح خدا آمد و در معبد قلب و روح شما ساکن شد (یوحنا ۳: ۳). کسانی که از آن مسیح هستند، در یک اتحاد ارگانیک با خدای جهان قرار دارند (یوحنا ۱۷: ۲۲-۲۳). بعداً، پولس این را مجدداً بیان می‌کند و می‌گوید: «حال شما بدن مسیح هستید و هر یک از شما عضوی از آن هستید» (اول قرنثیان ۱۲: ۲۷). همان‌طور که عیسی تاک است و ما شاخ‌ها هستیم (یوحنا ۱۵: ۵)، ما به این اتحاد روحانی با خدا پیوند خورده‌ایم (رومان ۱۱: ۲۴)، که پولس آن را «بودن در مسیح عیسی» می‌نامد. بودن در مسیح یعنی داشتن یک رابطه ارگانیک، پیوند خورده به مسیح، در حالی که همزمان در اتحاد روحانی با برادران و خواهران در مسیح در سراسر جهان هستیم. این تنها یکی از اظهارات پولس در این زمینه است:

از او [مسیح] است که تمام بدن، با پیوستن و پیوستگی هر رابط نگه‌دارنده، رشد می‌کند و در محبت ساخته می‌شود، در حالی که هر عضوی کار خود را انجام می‌دهد (افسیان ۴: ۱۶).

سلطنت بازیافته‌شده: بازپس‌گیری آنچه از دست رفته بود

هنگامی که آدم، جد ما، آفریده شد، به صورت خدا آفریده شد و بر زمین سلطنت داده شد. همچنین مسئولیت حکومت بر هر آنچه خدا آفریده بود به او سپرده شد:

^{2۴}آنگاه خدا گفت: «بیایید انسان را به صورت و شباهت خود بسازیم و بر ماهی‌های دریا و پرندگان آسمان، بر چهارپایان، بر تمام زمین و بر همه جنبندگان روی زمین مسلط سازیم.» ^{2۷}پس خدا انسان را به صورت خود آفرید، به صورت خدا او را آفرید؛ نر و ماده ایشان را آفرید. ^{2۸}خدا ایشان را برکت داد و به ایشان گفت: «بارور شوید و زیاد گردید؛ زمین را پر کنید و آن را رام سازید. بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بر هر جنبنده‌ای که بر زمین می‌خزد، فرمانروایی کنید.» (پیدایش ۱: ۲۶-۲۸؛ تأکید از ماست).

کلمه عبری «radah» که در انگلیسی به «rule» ترجمه شده، به معنای «حکمرانی بر یا مستأصل کردن» است.² خداوند به آدم و نسل او مسئولیت و اقتدار بر تمام مخلوقات را داد. من گمان می‌کنم که حتی پادشاه حیوانات، یعنی شیر، می‌توانست تحت اقتدار انسان و به فرمان خدا با او سخن بگوید و شیر نیز اطاعت می‌کرد. چنین بود تسلط و اقتداری که انسان پیش از سقوط در باغ عدن داشت. داوود پادشاه، که به الهام از روح سخن می‌گوید، چیز بسیار مشابهی می‌گوید:

^۳ وقتی آسمان‌های تو را، کار انگشتان تو را، ماه و ستارگان را که در جای خود قرار داده‌ای، می‌نگرم، * انسان چیست که تو به یاد او باشی، پسر انسان چیست که تو به او توجه کنی؟ * او را اندکی کمتر از فرشتگان ساختی و جلال و شکوه بر سرش نهادی. * او را بر کارهای دستان خود حکمران کردی؛ همه چیز را زیر پایش نهادی (مزمور ۸: ۳-۶؛ تأکید از ماست).

کلمه عبری «مشال» که در مزمور ۸: ۶ به معنای «حاکم» ترجمه شده است، نشان می‌دهد که آدم و تمام نسل او به عنوان امانت‌داران، فرمانروایان یا مدیران زمین در خدمت خدا هستند. «مشال» معنای «حکمرانی کردن، فرمانروایی کردن، حکومت کردن، تسلط داشتن بر و مدیریت کردن» را در بر می‌گیرد. انسان در میان تمام مخلوقات منحصر به فرد بود، زیرا انسان با جلال و شکوه تاج‌گذاری شد و مأمور نظارت بر زمین گردید. تنها انسان بود که به صورت خدا آفریده شد و می‌توانست با فضل و عدالت حکمرما باشد و به عنوان نماینده خدا عمل کند. او جلوه شباهت خداست و تجسم قلب و اراده او برای آفرینش است. داوود پادشاه، که از روح الهام گرفته بود، خاطر نشان کرد که انسان در حالت اصلی خود، اندکی پست‌تر از الهیم—اصطلاح عبری برای خدا—آفریده شده است. ترجمه‌های مختلف متفاوت هستند، برخی آن را «موجودات آسمانی» ترجمه می‌کنند، اما کتاب مقدس نشان می‌دهد که آدم درست در زیر خدا قرار داشت. «الوهیم» تقریباً همیشه برای اشاره به خدا به کار می‌رود. برخی از ترجمه‌ها یادداشت‌هایی برای توضیح این موضوع دارند. آدم باید باشکوه بوده، تاج شکوه و احترام بر سر داشته و کاملاً توسط خدا برای حکومت بر زمین آماده شده باشد. این آیه بیان می‌کند که خدا هر چیز روی زمین را زیر پای آدم قرار داد، که نمادی از حکومت و تسلط او بر تمام مخلوقات است.

آسمان‌های اعلی از آن خداوند است، اما زمین را به انسان داده است (مزمور ۱۱۵: ۱۶؛ تأکید از ماست).

کلمه عبری «نثن» (Nathan) که در عبارت بالا به انگلیسی «given» (داده‌شده) ترجمه شده است، به معنای «واگذاری کردن» است. خداوند زمین را به آدم و فرزندانش سپرد. این قلمرویی است که انسانیت مأمور حکومت بر آن شده است. کتاب مقدس صراحتاً می‌گوید که زمین از آن خداوند است، اما حکومت و مدیریت آن به انسانیت سپرده شده است. این مفهوم که مسئولیت به انسانیت واگذار شده است، در پیدایش ۲: ۱۵ نیز به تصویر کشیده شده است: «سپس خداوند خدا آن انسان را گرفت و در باغ عدن گذاشت تا آن را بکارد و از آن پاسبانی کند». واژه عبری «شمار»، که به انگلیسی به معنای «از آن پاسبانی کند» ترجمه شده است، به معنای «نگهبانی کردن، محافظت کردن و حفظ کردن» است، همان‌طور که یک نگهبان از گاوها یا گوسفندان خود مراقبت می‌کند. «حکومت و امانت‌داری زمین به آدم و فرزندانش سپرده شد.

بحث گروهی کوچک: واژه عبری «شمار» به معنای نگهبانی کردن، محافظت کردن و حفظ کردن است، مانند کاری که یک نگهبان از گاوها یا گوسفندان خود انجام می‌دهد. اگر خدا به ما مأموریت داده است که مراقب زندگی کنونی خود باشیم، شما باید در چه حوزه‌های مشخصی (خانواده، افکارتان، محل کارتان، جامعه محلی‌تان) در حال حاضر به طور فعال در برابر حملات روحانی محافظت کنید؟

همان‌طور که در مطالعه قبلی بیان کردیم، من معتقدم این تسلط انسان کوتاه‌مدت بود. شیطان به سرعت اقتدار و حکومت انسان بر زمین را غصب و سرقت کرد. نیاک ما، آدم، در هنگام سقوط، حق و سلطنت بشریت را برای حکومت به دستان شیطان سپرد. شیطان می‌توانست در طول وسوسه به مسیح بگوید، بی‌کیفر، «تمام اقتدار و شکوه آنها را به تو خواهم داد، زیرا به من داده شده است و می‌توانم آن را به هر کسی که بخواهم بدهم» (لوقا ۴: ۶). شیطان چیزی را به عیسی پیشنهاد نمی‌داد که در اختیار نداشت؛ در غیر این صورت، این وسوسه محسوب نمی‌شد. شیطان چیزی را به عیسی پیشنهاد می‌داد که به عنوان اهرم فشار در اختیار داشت. او می‌کوشید تا با سجده کردن به او، مسیح را وسوسه کند تا صلیب را دور بزند و بدین ترتیب خارج از اراده پدر عمل کند.

² کتاب مقدس مطالعه واژگان کلیدی، ناشران AMG، چاتانوگا، تنسی. صفحه ۱۵۵۰.

این از دست دادن حکومت و تسلط بشریت، که خداوند به ما عطا کرده بود، دلیل آن است که چرا رستگاری باید از طریق یک انسان می‌آمد. خداوند زمین را به نسل آدم داد، و تنها یکی از فرزندان او می‌توانست آن را بازپس گیرد، زیرا آدم امین بود. هنگامی که آدم به وسوسه شیطان برای اطاعت از او به جای خدا تن داد، دشمن می‌توانست به طور قانونی هر کاری را که می‌خواست با هر یک از فرزندان آدم انجام دهد، زیرا بشریت به گناه اسیر شده بود. تنها یک عمل نافرمانی کافی بود. خود خدا، خداوند ما عیسی، تنها کسی که کاملاً از گناه پاک بود، آمد، و شیطان هیچ ادعایی بر او نداشت. به همین دلیل بود که مسیح باید از یک باکره متولد می‌شد. جای تعجب نیست که مفهوم تولد باکره مورد حمله قرار گرفته و دشمن می‌خواهد آن را به عنوان حماقت رد کند. این عنصر اساسی در داستان رستگاری است. مسیح، عیسی، باید از نسل آدم می‌بود، اما نمی‌توانست به گناه آلوده باشد؛ در غیر این صورت، شیطان بر او حق پیدا می‌کرد و بر او تسلط می‌یافت.

مسیح کاملاً انسان و کاملاً خدا بود، که به واسطه روح القدس در مریم متولد شد، بدون بذر آدم یا طبیعت گناه‌آلود. بنابراین، شیطان هیچ ادعایی بر مسیح بی‌گناه نداشت. قانون الهی می‌گوید: «هر که خون انسان را بریزد، خون او نیز به دست انسان ریخته خواهد شد؛ زیرا خدا انسان را به صورت خود آفرید» (پیدایش ۹:۶). به عبارت دیگر، هنگامی که شیطان بر خود گرفت که عیسی را به صلیب بکشد، او برای اولین بار تحت قانون الهی به یک قاتل تبدیل شد، زیرا عیسی کاملاً بی‌گناه بود و هرگز گناه نکرده بود. در اتاق بالا، درست قبل از مصلوب شدن، عیسی گفت: «دیگر با شما زیاد صحبت نخواهم کرد، زیرا حاکم این جهان می‌آید. او بر من هیچ حقی ندارد» (یوحنا ۱۴:۳۰؛ تأکید از ماست). هر کسی که با ایمان و اعتماد به مرگ مسیح به عنوان پرداخت باج گناهان خود، آن را برای خود قرار دهد، در پیشگاه خدا صالح شمرده می‌شود. عدالت ابدی بر صلیب ارضا شد. شیطان به دلیل تولد و زندگی بی‌گناه عیسی، از نظر قانونی در محاکم آسمان به عنوان یک قاتل محکوم شد، زیرا او حقی برای کشتن عیسی نداشت. او بر صلیب از کلیدهای مرگ و جهنم محروم شد (مکاشفه ۱:۱۸). کمی پیش از مصلوب شدن، عیسی گفت:

اکنون زمان داوری این جهان است؛ اکنون رئیس این جهان بیرون رانده خواهد شد (یوحنا ۱۲:۳۱).

بحث گروهی کوچک: اگر کلیسای جهانی به طور کامل اقتدار قانونی خود در مسیح را بپذیرد، چه تغییرات عمده‌ای را در محله‌ها و فرهنگ خود خواهیم دید؟ دانستن اینکه شیطان «هیچ ادعای قانونی» بر شما ندارد، دیدگاه روزانه شما را چگونه تغییر می‌دهد؟

منظور او این بود که اکنون، از طریق کلیسا، حکمت چندوجهی خدا برای فرمانروایان و مقامات در قلمروهای آسمانی [در زبان اصلی یونانی، «در آسمان‌ها» آمده است] آشکار شود (افسیان ۳:۱۰).

شیطان، به همراه فرشتگان و شیاطینش، نمی‌خواهد شما معنای کامل آیه فوق را درک کنید. اگر درست متوجه شده باشم، پولس می‌گوید که نیت و نقشه خدا این است که ما، یعنی کلیسا، در مخالفت کامل با حاکمان و مقامات شیطانی نامرئی اطراف خود بایستیم. ما باید از طریق ایمانمان به خدا اعلام کنیم که آنها دیگر هیچ جایگاه قانونی ندارند، این قلمرو از آن خداست، و آنها باید حکومت خود را تسلیم کرده و بروند. مسیح برای شما مرد تا بتوانید سلطنت و اقتداری را که در آفرینش به ما داده شده بود، بازپس بگیرید! او نه تنها برای رهایی شما از قدرت شیطان بر روی صلیب مرد، بلکه برای توانمند ساختن شما تا به عنوان سرباز مسیح در مخالفت کامل با هر عمل شریر در اطرافتان بایستید. ما می‌توانیم شروع به اعمال اقتداری کنیم که مسیح به ما عطا کرده است و بر حاکمان و اقتدارهای شریر در قلمروهای آسمانی حکومت کنیم. عیسی گفت: «تمام اقتدار در آسمان و بر زمین به من داده شده است. بنابراین بروید و همه قوم‌ها را شاگرد سازید... و به ایشان تعلیم دهید که به همه آنچه به شما امر کرده‌ام، اطاعت کنند» (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). مسیح به آنها چه تعلیم داد و چه امر کرد؟ او به آنها امر کرد که بیماران را شفا دهند، شیاطین را بیرون کنند و انجیل را موعظه کنند (لوقا ۹: ۱-۲، لوقا ۱۰: ۹، ۱۷).

هر کسی که به من ایمان داشته باشد، کارهایی را که من انجام داده‌ام، انجام خواهد داد... شما می‌توانید به نام من هر چیزی را از من بخواهید و من آن را انجام خواهم داد (یوحنا ۱۴: ۱۲-۱۴).

آموزه اینکه هر مؤمن از سوی خدا اختیار دارد، به «کاهنی همگانی مؤمنان» معروف است. شیطان هیچ حق قانونی مالکیتی بر مؤمنان حقیقی در مسیح ندارد. پولس رسول نوشت: «زیرا او ما را از سلطنت تاریکی رهایی بخشیده و ما را به ملکوت فرزندی که دوستش می‌دارد، منتقل کرده است» (کولسیان ۱: ۱۳). اختیار قانونی شیطان بر ما نابود شده است. تنها بی‌ایمانی

ما به کلام خدا مانع جریان قدرت و اختیار روح القدس از طریق ما می‌شود: «**خداوند چیزهای ناتوان جهان را برگزید تا چیزهای نیرومند را خجل کند**» (اول قرنیتان ۱:۲۷). آیا احساس بی‌کفایتی می‌کنید؟ پس خداوند شما را برگزیده است تا با به کار بردن اختیار او، او را جلال دهید.

عیسی با مرگش بر صلیب، هر ادعایی را که شیطان علیه‌ما که در مسیح هستیم داشت، باطل کرد. اقتداری که شیطان زمانی بر ما داشت، به خداوند عیسی مسیح و به همه کسانی که در رابطه عهد با او هستند، یعنی بدن مسیح، کلیسای خدای زنده، منتقل شده است. ما باید اقتدار مسیح را تحت رهبری و توانمندسازی روح القدس به کار گیریم. فرقی نمی‌کند چقدر جوان یا پیر باشیم، کسانی از ما که به مسیح تعلق داریم، سفیران خدا (دوم قرنیتان ۵:۲۰) شده‌ایم. از نظر قانونی و معنوی، ما باید از وکالتی که خدا برای انجام اراده‌اش بر روی زمین به ما داده است، استفاده کنیم. تنها بی‌ایمانی ما را از به کار بردن اقتدارمان باز می‌دارد. همان‌طور که برق از طریق یک کابل مسی جریان می‌یابد، ایمان مجرای است که از طریق آن اقتدار و قدرت خدا شفاها و دیگر پدیده‌های ماوراءالطبیعی را به وجود می‌آورد. آیا ما به دروغ‌های شیطان ایمان خواهیم آورد یا به حقیقت کلام خدا؟

فعال‌سازی حق معنوی تولدتان: حرکت از سر به دل

دانستن این حقایق به صورت فکری یک چیز است، اما خدا می‌خواهد حقیقت را به صورت تجربی به ما بیاموزد. او می‌خواهد کلام خود را از سرهای ما به روح ما وارد کند. «**اینک تو راستی را در درون می‌طلبی؛ در نهانگاه خود حکمت را به من می‌آموزی**» (مزمور ۵۱: ۶). تمام دوازده شاگرد می‌دانستند که عیسی می‌تواند به آنها کمک کند تا روی آب راه بروند، اما تنها پطرس از امنیت قایق بیرون آمد و خداوند را به شیوه‌ای نو تجربه کرد (متی ۱۴: ۲۲-۳۳). درک و هضم حقیقت قدرت و اقتدار خدا—درک یا پذیرش آن—پویایی‌های زندگی شما و اطرافیان‌تان را تغییر خواهد داد. کتاب مقدس می‌گوید که خدا به هر مؤمنی اندازه‌ای از ایمان عطا کرده است (رومان ۱۲: ۳). در کنار این اندازه از ایمان، او همچنین هدایای گوناگون روح القدس را نیز بخشیده است تا خدا بتواند از هر یک از ما برای تقویت ایمان یکدیگر استفاده کند: «**اما تجلی روح برای منفعت همگان به هر یک عطا شده است**» (۱ قرنیتان ۷: ۱۲). پس از آنکه پولس فهرستی از هدایای گوناگونی را که روح به بدن مسیح می‌بخشد، برشمرده، نوشت:

همه اینها اثر یک روح واحد است و او هر یک را چنان‌که خود می‌پسندد به هر یک از ما عطا می‌کند (اول قرنیتان ۱۲: ۱۱).

شما با آن میزانی از ایمان که خدا به شما داده است چه می‌کنید؟ هر بار که قدم برمی‌داریم، تصمیم به دعا می‌گیریم، ایمان خود را به کار می‌بریم و انتخاب می‌کنیم که به کلام خدا اعتماد کنیم، در ایمان رشد می‌کنیم. ما مسئول رشد در ایمانی هستیم که خدا به ما می‌دهد.

زندگی ما به شدت تغییر می‌کرد اگر می‌توانستیم خود را همان‌طور که خدا می‌بیند ببینیم و از محدوده‌های امن خود خارج شویم. دشمن فعالانه تلاش می‌کند این افکار را در ذهن ما بکارند که ما چیز خاصی نیستیم و زندگی ما از زمانی که به مسیح ایمان آوردیم تغییر نکرده است. شیطان هدفش این است که ما را از پذیرش آنچه کتاب مقدس می‌گوید باز دارد—اینکه ما بیش از آنکه صرفاً فرزندان آدم گرفتار در گناه باشیم، فرزندان خدا و قدیسان خداوند متعال هستیم. ما همانند عیسی، به اقتدار لازم برای غلبه بر کارهای شیطان مجهز شده‌ایم. کتاب مقدس می‌گوید: «**فرزند خدا ظاهر شد تا کارهای شیطان را نابود سازد**» (اول یوحنا ۳: ۸). ما با اقتدار پادشاه خود، عیسی مسیح، با سخن گفتن کلام او و انجام دادن کارهای او، نماینده او هستیم. خداوند پیوسته در پی آن است که قومش ایمان خود را به او به نمایش بگذارند.

ایمان بیش از هر چیز دیگری خدا را گرامی می‌دارد و او را خشنود می‌سازد (عبرانیان ۱۱: ۶). چند وقت یکبار ما از دریافت تمام آنچه او برای ما دارد باز می‌مانیم، صرفاً به این دلیل که در دعا پافشاری نمی‌کنیم و از آنچه به نظر موانع می‌رسند فراتر نمی‌رویم تا در ایمان استقامت کنیم؟

بحث گروهی کوچک: مانع اصلی که مانع از به کارگیری اقتدار روحانی توسط مؤمنان امروزی می‌شود چیست؟ (آیا ترس، شک، یا کمبود دانش است؟)

ما می‌دانیم که تجلی کار روح برای هر یک از فرزندان خدا در دسترس است. ما نداریم زیرا درخواست نمی‌کنیم (یعقوب ۴:۲). مشکل از جانب خدا نیست. او به ما گفته است که کلام خود را با نشانه‌هایی که آن را همراهی می‌کنند، تأیید خواهد کرد (مرقس ۱۶:۲۰). ما نداریم زیرا با ایمان درخواست نمی‌کنیم. شیاطین هر بار که یکی از فرزندان خدا شروع به درخواست از خدا برای انجام کاری فراطبیعی می‌کند، می‌لرزند. وقتی شما شروع به دعا می‌کنید، جهنم به پا می‌شود تا زندگی دعایی شما را مختل کند، اما ما باید در دعا پافشاری کنیم. به محض اینکه یک فرزند خدا شروع به درک قدرت و اقتداری که در اختیارش است می‌کند، دوران شیاطین و بازی فریبده آنها برای جلوگیری از باور این فرزند خدا به قدرت و اقتدارش به پایان می‌رسد. قدرت و اقتدار بر شیاطین، حق هر یک از فرزندان خداست!

من به شما اقتدار داده‌ام که بر مارها و عقرب‌ها پا بگذارید و بر تمام قوای دشمن غلبه کنید؛ هیچ چیزی به شما زیان نخواهد رساند (لوقا ۱۰:۱۹).

۱۷ و این نشانه‌ها همراه کسانی خواهد بود که ایمان آورده‌اند: به نام من شیاطین را بیرون خواهند راند؛ به زبان‌های تازه سخن خواهند گفت؛^{۱۸} مارها را با دستان خود برمی‌دارند؛ و هرگاه سم کشنده بنوشند، به هیچ وجه به آنها آسیبی نخواهد رسید؛ و دست خود را بر بیماران خواهند گذاشت و آنان شفا خواهند یافت (مرقس ۱۶: ۱۷-۱۸؛ تأکید از ماست).

این بدان معنا نیست که ما باید به دنبال شیاطین بگردیم. عیسی کار پدرش را انجام داد و هنگامی که مخالفتی پیش می‌آمد، با آن مقابله می‌کرد. در انجام کارهای ملکوت خدا، ما با مقاومت روبرو خواهیم شد، اما ما این اختیار را داریم که در حین پیشبرد انجیل، با مخالفت‌ها روبرو شویم.

ای گله کوچک، نترسید، زیرا پدر شما خوشش آمده است که پادشاهی را به شما عطا کند (لوقا ۱۲:۳۲).

می‌خواهم این وعده را با شما به یادگار بگذارم. اگر شما مؤمن به مسیح هستید، بخشی از کسب و کار خانوادگی هستید. همان‌طور که سه مرد ناشناس در داستان ما جرأت کردند با قدم گذاشتن در ایمان و استفاده از اقتدار خدا، اقلیم روحانی آفریقا را تغییر دهند، ما نیز سفیران او هستیم که کلام او را بر زبان می‌آوریم و کارهای او را انجام می‌دهیم.

کاوش عمیق — افزودنی‌های کاربرد زندگی

۱. چالش «قدم بیرون از قایق بگذار»

مثال پطرس را که استفاده کردید به گروه خود یادآوری کنید. آنها را به چالش بکشید تا «لبه قایق» خود را پیدا کنند. کاربرد: از اعضا بخواهید یک حوزه‌ای را که در آن منتظرند خدا کاری انجام دهد، شناسایی کنند، در حالی که در واقع خدا منتظر است آنها با ایمان قدم پیش بگذارند. این می‌تواند شروع یک گفتگوی دشوار، دعا کردن با صدای بلند برای یک دوست بیمار، یا شکستن یک عادت نسلی باشد.

۲. حسابرسی «وکالت‌نامه»

از تشبیه سفیر قانونی خود به‌طور عملی استفاده کنید. کاربرد: وقتی سفیر سخن می‌گوید، از ثروت یا قدرت نظامی خود استفاده نمی‌کند؛ بلکه از پشتوانه دولت متبوع خود بهره می‌برد. از گروه خود بخواهید این هفته گفتارشان را بررسی کنند. آیا آنها از موضع فقر روحانی («من هرگز از این مرحله عبور نخواهم کرد») سخن می‌گویند، یا در حال اجرای وکالت‌نامه پادشاهی خود هستند («خداوند روحی از ترس به من نداده، بلکه روحی از قدرت، محبت و ذهن سالم داده است»)?

۳. اعلان روزانه «نگهبان»

آن را به مفهوم شمعدان پیوند دهید.

کاربرد: به دانش‌آموزان خود دستور دهید که به صورت فیزیکی در خانه‌هایشان قدم بزنند یا فهرستی از اعضای خانواده‌شان را بنویسند. صریحاً برای آنها به عنوان یک «نگهبان» (شمار) که مأموریت مراقبت از آن قلمرو به او سپرده شده است، دعا کنید و هرگونه نفوذ تاریک یا سنگینی روحانی را امر کنید که به نام عیسی بروند.

دعا: ای پدر، دعا می‌کنم که مرا پر و مجهز سازی تا از اقتداری که برایم برای جهانی نیازمند قرار داده‌ای، استفاده کنم. ای خداوند عیسی، بار دیگر به من بیا. ایمان دارم—به من کمک کن بر بی‌ایمانی‌ام غلبه کنم. لطفاً به من بیاموز چگونه با تو گام بردارم و کار تو را انجام دهم.

کیت توماس

www.groupbiblestudy.com

فیسبوک: keith.thomas.549

ایمیل: keiththomas@groupbiblestudy.com

یوتیوب: <https://www.youtube.com/@keiththomas7/videos>